



«صبح زنگنه» در گفت و گو با «ایران»

تحلیل قدرت مقاومت یمن بر صهیونیست ها را تبیین کرد

خنجر یمنی بر گلوگاه اقتصادی تل آویو



Gettyimages

گفت‌وگو

حسین فاطمی

خبرنگار

نزدیک به ۸ ماه از عملیات طوفان الاقصی و کشتار صهیونیست‌ها در نوار غزه می‌گذرد و در این مدت بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تحت‌تأثیر این جنگ قرار گرفتند. اگرچه بیشتر آنها با نگاهی میانجی‌گرایانه در صدد پایان دادن به جنگ بوده و هستند اما انصارالله یمن و ارتش این کشور با فراتنی متفاوت و متضاد، ذیل درگیری مستقیم با رژیم صهیونیستی به فکر پایان دادن به جنایت صهیونیست‌ها است. همین نگاه در کل منطقه خاورمیانه به‌وجود آورده است که نشان می‌دهد این بازیگر (انصارالله) توان تعیین‌کنندگی پیدا کرده است. تحت الشعاع قرار گرفتن تجارت دریایی و تجارت خارجی رژیم صهیونیستی به دلیل نقش آفرینی انصارالله یمن خلیج عدن و دریای سرخ، دریای مدیترانه و حتی این معادلات، نقش یمنی‌ها را نادیده گرفت، کمابینکه خود مقامات امریکایی و محافل تحلیلی و رسانه‌های عربی و عبری هم براین واقعیت اذعان دارند اما برای بیان دقیق‌تر و بیشتر این نقش‌آفرینی انصارالله و تأثیرات آن بر معادلات منطقه پس از عملیات طوفان الاقصی به گفت‌وگویی با صباح زنگنه نشسته‌ایم تا ارزیابی این تحلیلگر ارشد مسائل خاورمیانه و جهان‌عرب را در این رابطه جویا شویم که در ادامه مشروح این گپ وگفت را از نظر می‌گذرانید.

پس از وقوع عملیات طوفان الاقصی و آغاز جنگ حماس و رژیم صهیونیستی یکی از مهم‌ترین بازیگرانی که در عرصه میدانی توانسته است معادلات را به شکل جدی تحت‌الشعاع قرار دهد، انصارالله و ارتش یمن است که از دو بعد می‌توان به آن ورود کرد. نخست حوزه میدانی، نظامی و دفاعی که به شکل مستقیم حملاتی را به اراضی اشغالی انجام داده‌اند و دوم تأثیر جدی بر معادلات تنگه باب‌المنذب، دریای سرخ، خلیج عدن و دریای مدیترانه است که اشغالی انجام داده‌اند و دوم تأثیر جدی بر معادلات تنگه باب‌المنذب، دریای سرخ، خلیج عدن و دریای مدیترانه است که باعث‌انگیزان وضعیت تجارت دریایی رژیم صهیونیستی به یک نقطه بحرانی و انسداد برسد. از هر دو بعد برنامه انصارالله یمن را در این مدت چگونه ارزیابی می‌کنید؟

این سؤال شما از آن جهت اهمیت مضاعف دارد که انصارالله یمن و ارتش این کشور در طول ۸ سال گذشته با شدیدترین و بی‌سابقه‌ترین جنگ خود مواجه بود و بی‌یک‌طرف با مجموعه‌ای از کشورهای عربی به سرکردگی عربستان سعودی در جنگ بود و از طرف دیگر با نیروهای علی عبدالله‌صالح و عبدربه‌منصور هادی این درگیری‌ها را داشتند. لذا اصلاً این تصور وجود نداشت که انصارالله یمن بعد از ۸ سال جنگ و در پی آن، آتش‌بس‌ی که با عربستان داشت ظرفیت و پتانسیل درگیری با ابرقدرتی مانند امریکا و پس از آن رژیم صهیونیستی، انگلستان و مجموعه‌ای از کشورهای غربی را داشته باشد. اما وقتی انصارالله یمن وارد معادلات شد و هم از نظر نظامی و هم از نظر سیاسی توانست به یک نقطه تعیین‌کننده و بازدارنده برسد، خوبی نشان می‌دهد انصارالله یمن در هر برهه‌ای ظرفیت و پتانسیل تأثیرگذاری خود را دارد و این نکته فارغ و جدای از آن چیزی است که شما به آن اشاره کردید. یعنی من تا به اکنون ورودی به حوزه نظامی که تأثیرگذاری بر معادلات تنگه باب‌المنذب و فشار بر تجارت دریایی رژیم صهیونیستی نکرده‌ام، فقط خواستم این را بگویم وقتی انصارالله یمن بعد از ۸ سال جنگ هنوز قدرت تأثیر دارد، نشان می‌دهد بازیگری است که باید آن را جدی گرفت و اینگونه قدرت خود را به صهیونیست‌ها تحمیل کرده است.

اما اگر بخواهیم روی مسائل نظامی تمرکز کنیم، آیا آنگونه که برخی می‌گویند باید ملاک را میزان موفقیت حملات انصارالله به سرزمین‌های اشغالی بدانیم یا آنکه... ببینید اینجا مسأله اصلاً میزان موفقیت و به هدف خوردن حملات نیست، همین که بعد از ۸ سال جنگ بی‌امان، انصارالله به شکل مستقیم سرزمین‌های اشغالی

اما اگر بخواهیم روی مسائل نظامی تمرکز کنیم، آیا آنگونه که برخی می‌گویند باید ملاک را میزان موفقیت حملات انصارالله به سرزمین‌های اشغالی بدانیم یا آنکه... ببینید اینجا مسأله اصلاً میزان موفقیت و به هدف خوردن حملات نیست، همین که بعد از ۸ سال جنگ بی‌امان، انصارالله به شکل مستقیم سرزمین‌های اشغالی

اینکه برخی درصدد ایجاد شبهه نام‌سازی تجارت دریایی توسط انصارالله هستند را چگونه می‌بینید؟
ادعای نام‌سازی تجارت دریایی توسط انصارالله صرفاً تلاشی برای توجیه عدم توان در راستای کنترل انصارالله است. ببینید درباره آنچه گفتید اکنون انصارالله یمن با این توان نظامی برابر رژیم صهیونیستی، امریکا و انگلیس به قدری دارای قدرت تأثیرگذاری بوده که توانسته است به هدف غایی خود دست پیدا کند. یعنی معادلات تنگه باب‌المنذب، خلیج عدن و دریای سرخ را به شکلی تحت‌تأثیر قرار دهد که تجارت دریایی و خارجی رژیم صهیونیستی به طور کامل یا به شکل بسیار پرزگی قطع شود تا جایی که اکنون برخی اخبار و گزارش‌ها حکایت از آن دارند که تعدادی از حامیان رژیم صهیونیستی به دنبال تعریف مسیر دیگری برای تجارت خارجی رژیم صهیونیستی هستند.

وقتی انصارالله یمن به شکل مستقیم وارد عمل می‌شود و تنها کشتی‌های مربوط به رژیم صهیونیستی را توقیف می‌کند یا حاضر به درگیری مستقیم با ناوهای امریکایی و انگلیسی است، بهترین دلیل بر این خواهد بود که انصارالله یمن به نقطه تعیین‌کننده و بازدارنده رسیده تا جایی که توانسته است به هدف غایی خود دست یافته و تجارت خارجی رژیم صهیونیستی را به نقطه بن‌بست برساند. برعکس در چنین شرایطی مخالفان صرفاً طبعی کلیدواژه‌ها مانند نام‌سازی تجارت دریایی و نظایر آن را مطرح کرده و پیروان برخی کشتی‌ها و شرکت‌های تجاری هم مسیر دیگری را برای انتقال کالا و مبادلات خود انتخاب می‌کنند تا به این ادعا دامن بزنند، اما واقعیت این است که انصارالله یمن به شکل ذوقی، همدمند و کاملاً انتخاب شده و به نوعی مهندسی شده رفتار می‌کند و در قبال تجارت دریایی دیگر کشورها دست به اقدامی نمی‌زند و اتفاقاً از آن استقبال می‌کند چراکه می‌تواند به بهبود وضعیت منطقه کمک کند، اما به شکل مستقیم با کشتی‌های تجاری مربوط به رژیم صهیونیستی و همچنین ناوهای جنگی امریکایی، انگلیسی و دیگر کشورها که به فکر حمایت از صهیونیست‌ها باشند وارد تقابل خواهد شد.

حضرتعالی اقدام برخی کشورها مانند فرانسه و دانمارک در خارج کردن ناوهای جنگی خود از منطقه برای خودداری از درگیری با انصارالله را چگونه تحلیل می‌کنید؟ آیا واقعاً انصارالله دست برتر را دارد؟
صورتاً مسأله هم فقط امروز نیست. اگر به تاریخ نگاه کنید هر زمان که کشورهای اروپایی و غربی وارد جنگ با یمنی‌ها شده‌اند خود را در یک درگیری فرسایشی دیده‌اند. زمانی انگلیسی‌ها این سیاست را انتخاب کردند و با یک شکست مفتضحانه از آن خارج شدند. کمابینکه ترک‌های عثمانی هم با یک شکست مفتضحانه مجبور به ترک این منطقه شدند. مصری‌ها هم همین سیاست را در پیش گرفتند و با یک شکست از آن خارج شدند. عربستان سعودی هم در چندین مقطع مانند دهه ۳۰ میلادی قرن گذشته و همچنین طی یک دهه اخیر دو جنگ را به یمنی‌ها تحمیل کردند و دست‌آخر خود سعودی‌ها مجبور به پایان دادن به جنگ شدند. شما دیدید عربستان سعودی در ۸ سال جنگ خود با یمنی‌ها، ضمن استفاده از تمام تجهیزات و تسلیحات پیشرفته اروپایی و امریکایی و به خدمت گرفتن مزدوران منطقه‌ای و آفریقایی، توانست به اهداف خود دست پیدا کند و نهایتاً مجبور به مذاکره با یمنی‌ها شد. طبیعتاً غربی‌ها با اشراف به چنین تاریخی می‌دانند که اصلاً نمی‌توانند خود را دست برتر بدانند یا جنگی را آغاز کنند که در نهایت به شکست انصارالله منجر شود. چون همان‌طور که گفتم انصارالله بعد از ۸ سال جنگ بی‌امان کشتار و خسارت‌های فراوان و وضعیت اقتصادی نابسامان، کماکان توان تأثیرگذاری را دارد و این چیزی نیست که غربی‌ها و اروپایی‌ها به دنبال آن باشند.

پیرو آنچه گفتید، در حال حاضر دو نگاه و تحلیل دیگر پیرامون ورود انصارالله به معادلات منطقه پس از عملیات طوفان الاقصی وجود دارد: نخست نگاه انسانی و دوم نگاه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک است. در بحث نخست، انصارالله یمن و ارتش این کشور اولین و تنها کشوری بودند که به شکل مستقیم و رسمی و بنا بر فرات‌های انسان‌دوستانه برای دفاع از مردم فلسطین حملات مستقیمی را به سرزمین‌های اشغالی انجام دادند. هرچند که موضوع حمایت از گروه‌های مقاومت فلسطینی و زنده نگه داشتن آرمان فلسطین هم مطرح است، اما برخی معتقدند ورود انصارالله به معادلات منطقه پس از عملیات طوفان الاقصی با یک فرانت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک قابلیت بحث و تحلیل دارد. شما قائل به کدام‌یک از این دو نگاه هستید؟

این دو نگاه لزوماً در تضاد با همدیگر نیستند که مجبور باشیم یکی را انتخاب کنیم. اتفاقاً هر دو نگاه مکمل هم و در طول همدیگر هستند. بنابراین می‌توان، هم از نگاه انسان‌دوستانه و هم از منظر ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک موضوع را بررسی کرد. اگر بخواهیم به شکل عمیق‌تر بررسی کنیم، به نظر می‌رسد خود فرانت انسانی و ورود انصارالله به دلیل حمایت از مردم مظلوم فلسطین

و سوخت به ماشین جنگی و ماشین کشتار رژیم صهیونیستی است طبیعتاً می‌تواند باعث شود که انصارالله یمن از نظر حقوقی، درگیری خود را با رژیم صهیونیستی مشروع بداند.

چرا؟

چون هم ماشین کشتار و ماشین جنایت رژیم صهیونیستی و هم رفتار بازیگران فرامنطقه‌ای در این منطقه سبب نامنی شده است. ببینید ما با یک عبارتی «حضور غیر زیان‌ده» که این حق را به صاحبان سرزمینی مناطق می‌دهد در همه حوزه‌های سرزمینی، یعنی آبی، دریایی و خشکی مانع از فعالیت و تردد شوند. پس انصارالله بنا به همین اصل حقوقی توان منع تردد کشتی‌ها و نفتکش‌هایی را که باعث نامنی آنها شود، خواهد داشت و در این میان بنا به قدرت بازدارندگی و قدرت تعیین‌کنندگی انصارالله یمن است که این تفسیر حقوقی، حق مشروعی را به آنها می‌دهد که بنا به شرایط و با در نظر گرفتن اقتضات منطقه و ظرف زمانی و مکانی، از یک سو حملات مستقیمی به رژیم صهیونیستی داشته باشد و از طرف دیگر اقدام به توقیف کشتی‌ها یا نفتکش‌ها یا دریایی‌ها یا ناوهای جنگی اروپایی و امریکایی کند.

وقتی جنایت‌های بی‌امان و بی‌سابقه رژیم صهیونیستی تاکنون نزدیک به ۳۵ هزار شهید و ۱۰۰ هزار مجروح به دنبال داشته است و از طرف دیگر کشتار بی‌دریغ و بی‌رحمی در پی دی امریکا، آلمان، فرانسه، انگلستان و دیگر کشورهای غربی برای تداوم و تشدید جنایت‌های رژیم صهیونیستی، این میزان از ناامنی و ضرر و زیان را به منطقه تحمیل کرده است، آیا انصارالله نمی‌تواند از اصل حضور غیر زیان‌ده استفاده کند و یک درگیری را در جهت پایان دادن به این جنایت‌ها و کشتار انجام دهد؟! اصلاً چه ضرر و زبانی بالاتر از اینکه جنایت‌های اسرائیل تاکنون نزدیک به ۳۵ هزار شهید و ۱۰۰ هزار مجروح داشته است؟! اتفاقاً از منظر حقوقی به جای اینکه انصارالله زیر سؤال باشد، باید امریکا، فرانسه، انگلستان و آلمان زیر سؤال بروند که با چه تفسیر حقوقی و بنا به کدام اصل حقوقی خود را محق و مجاز به ارسال تجهیزات و تسلیحات و ادوات و جنگ‌افزارها به رژیم صهیونیستی برای این میزان کشتار مردم مظلوم در غزه می‌دانند؟! حقوق بین‌الملل موضوع متناقض بشود که کشوری مانند امریکا، ایمن‌ترین کشور جهان است که از آن برداشته‌ای متناقض بشود که کشوری مانند امریکا، آلمان، فرانسه، انگلستان و دیگر دول غربی خود را مجاز به حمایت از رژیم صهیونیستی در کشتار مردم بکند و از آن طرف انصارالله یمن هیچ حقی برای توقف و پایان دادن به این کشتار را نداشته باشد. طبیعتاً چنین نگاهی غیر قابل توجیه و غیر قابل دفاع است.

اگرچه انصارالله یمن و عربستان سعودی نهایتاً به آتش بس و صلح رسیده‌اند، اما اکنون دو طرف در دو سوی معادله قرار دارند. انصارالله به فکر حمایت جدی از مردم فلسطین و گروه‌های مقاومت فلسطینی است و آنگونه که اخبار و گزارش‌های رسانه‌های حکایت دارد، عربستان چه به شکل رسمی و چه به شکل غیر رسمی حمایت‌های خود را از رژیم صهیونیستی داشته و حتی موضوع عادی‌سازی روابط با اشغالگران را در سر دارد. حال اگر این معادلات پررنگ‌تر شود امکان درگیری مجدد بین

عربستان و یمن وجود دارد؟
در عالم سیاست و دیپلماسی، آن‌هم در خاورمیانه، هر موضوعی امکان وقوع دارد و شما نمی‌توانید هیچ گزاره و احتمالی را رد کنید. بله به نظر می‌رسد اگر واقعاً عربستان سعودی در حمایت از رژیم صهیونیستی گام‌های جدی‌تری بردارد این احتمال وجود خواهد داشت که باردیگر درگیری‌ها آغاز شود. اما عربستان سعودی پس از ۸ سال جنگ با انصارالله یمن می‌داند که ورود به فاز درگیری جدید به چه معناست. یعنی ورود به یک جنگ فرسایشی دیگر و صرف هزینه‌های انسانی، لجستیکی، سیاسی، اقتصادی، و برنامه‌های مد نظر سعودی‌ها؛ به همین دلیل به نظر من محمد بن سلمان دیگر، نه توان و نه تمایلی برای درگیری و ورود به جنگ با هیچ بازیگری را داشته باشد. لذا ریاض حتی المقدور سعی خواهد کرد که فضا را کنترل کند تا به این نقطه نرسد. از طرف دیگر موضوع انصارالله یمن نیست. بلکه اکنون جهان اسلام و جهان عرب یک نگاه تند ضد صهیونیستی دارند. به هر حال شهادت ۳۵ هزار فلسطینی و حراجت نزدیک به ۱۰۰ هزار نفر، موضوع کمی نیست که عربستانی‌ها آن را نادیده بگیرند و بخواهند به فکر عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی باشند.

به هر حال این نگاه تند ضد صهیونیستی جهان اسلام و جهان عرب، محدودیت‌ها و معذوبت‌هایی را برای عربستان در حوزه عادی‌سازی روابط با صهیونیست‌ها خواهد داشت. به همین دلیل تاکنون همه چیز در حد سفرهای مقامات صهیونیستی و امریکایی بوده است، نه چیزی بیشتر از آن. یعنی کماکان عربستان نمی‌تواند در چنین برهه‌ای عادی‌سازی را در دستور کار داشته باشد. به‌اینکه اکنون جو بایدن در استانه انتخابات ریاست جمهوری امریکا قرار دارد و از طرف دیگر به دلیل حمایت بی‌دریغ از رژیم صهیونیستی با انتقادات گسترده‌ای در میان جامعه، افکار عمومی و رسانه‌ها قرار دارد. شما به وضعیت دانشگاه‌های امریکا نگاه کنید. طبیعتاً در چنین شرایطی بایدن به یک برگ برنده یعنی عادی‌سازی روابط عربستان و رژیم عربستان سعودی با انصارالله یمن دارد تا از یک سو به این جنگ پایان بدهد و از طرف دیگر برگ برنده و یا برگ امتیازی برای خود در انتخابات داشته باشد. ولی بعید است به صرف نیاز جو بایدن برای عادی‌سازی روابط عربستان سعودی با رژیم صهیونیستی، ریاض در این شرایط تن به این سیاست بدهد. چون می‌داند آثار و تبعات عادی‌سازی روابط در بحبوحه جنایت و کشتار در غزه برای آنها چه خواهد بود.

